

بندھش، که نزد پارسیان هند شناخته است، شامل قریب سیزده هزار واژه است و نخستین بار، آنکتیل دوپرون (*Anquetil Duperron*) آن را به صورت مجموعه‌ای از متون مختلف پهلوی (اکنون P<sub>۳۳</sub>) که در ۱۷۳۴ در سورات (از شهرهای هندوستان م.) از نسخه K<sub>۲۰</sub> استنساخ شده بود به اروپا آورد. و آنکتیل در ۱۷۷۸ ترجمه‌ای فرانسوی از این نسخه بندھش را منتشر ساخت. در ۱۸۲۵ اصل نسخه K<sub>۲۰</sub> به وسیله *Rask* (راسک) به کپنهاگ آورده شد، و آن مجموعه‌ای است که نزدیک به پنج قرن قدمت دارد، و شامل نوزده متن پهلوی است که بندھش نهمین متن آن است. این مجموعه در *AV-PP.V-XII* شرح داده شده و شامل سه پایان نوشت تاریخدار است. ولی اینها ظاهراً از متون اصلی و کهنتر استنساخ شده. و یک برگ از متن بندھش آن. شامل فصلهای *XXXVIII, 12* و *XXVII, 25* از میان رفته است، گذشته از K<sub>۲۰</sub>، مجموعه *Rask* از دستنوشته‌های پهلوی در کپنهاگ شامل نوزده برگ از دیگر نسخه‌های بندھش است که تقریباً به همان قدمت و به عنوان K<sub>۲۰</sub> فهرست شده است. هجده برگ از این برگها تقریباً شامل یک نسخه ناقص بسیار کهن از روی یک دستنوشته بندھش است، که بیست و پنج یاسی برگ از برگهای وسط آن گم شده است، به طوری که متن K<sub>۲۰</sub> فقط شامل فصلهای *XXXI, 15*، *XXX, 15* می‌جهد، برگ نوزدهم قسمتی از دستنوشته دیگر و ظاهراً به خط مهربان (*Mitrō-āpān*) فرزند کیخسرو (*Kai Khūs-rōb*) که *KI* و *K* را در ۲۴-۱۳۲۳ نوشته است؛ و شامل فصلهای *VIII, 1-XI, 1* است و احتمالاً آخرین باقیمانده دستنوشته‌ای است که از آن هجده برگ دیگر استنساخ شده است.

مجموعه کهن دیگر در دو مجلد شامل قسمتی از متون پهلوی و قسمتی از اوستا است که در سال ۱۳۹۷ در باروتش (*Bharūtsh*) نوشته شده و آن را هوگ (*Houg*) در ۱۸۶۴ در سورات خریداری کرده و اکنون با مشخصه *MH* شناخته می‌شود. محتویات آن در *AV*، صفحات *III-V* شرح داده شده است. در این مجموعه، بندھش به منزله پانزدهمین متن از بیست متنی است که آن را تشکیل می‌دهد؛ و به اندازه K<sub>۲۰</sub> کامل نیست؛

\* Wilhelm Geiger und Ernest Kuhn, Grundriss der Iranischen Philologie, Zewiter Band, Berlin New York, 1974, pp.93-102.

در آن متن نه تنها فصلهای *XXIX* و *XXVIII* و *XXXI* حذف شده بلکه فصل *I-VIX* اشتباها بین فصلهای *XXIII* و *XXIV* قرار گرفته و جای بیش از بیست مورد که برای نسخه نویس ناخوانا بوده خالی گذاشته شده است، همچنین بیش از شصت قرائت ناممکن به سبب کوششهای ناموفق در جهت خواندن کلمات ناخوانا وجود دارد. همه ویژگیهای یاد شده این احتمال را نشان می دهد که نسخه اصلی که بندهش *MH* از روی آن استنساخ شده، در سال ۱۳۹۷ به اندازه ای کهنه بوده که در وضع پوسیدگی قرار داشته است.

سایر نسخه های بندهش هندی، تاجایی که مورد بررسی قرار گرفته اند، همگی از روی متن در *MH* یا *K<sub>۲</sub>* نوشته شده اند، به طوری که این دو مجموعه و بخشهای پراکنده *K<sub>۲</sub>* تنها مرجع مستقل است که متعلق به قرن چهاردهم میلادی و در هند شناخته شده است، عکس يك نسخه متن در ۱۸۵۱ با چاپ سنگی در *K<sub>۲</sub>* به وسیله وستر گارد (*Westergard*) انتشار یافت؛ هوگ سه فصل اول بندهش را در ۱۸۵۴ به زبان آلمانی ترجمه کرد. همچنین اشپیگل (*Spigel*) بسیاری از عبارات را به آلمانی در آورد و در سال ۱۸۶۰ فصلهای *I, II, III* و *XXX* را با حروف عبری نوشت. ترجمه کامل از آلمانی متن، به انضمام مقالات ذیقیمتی در باره بسیاری از نامها و موضوعات توسط ویندش من (*Windischmann*) تهیه شد و در ۱۸۶۳ انتشار یافت این ترجمه ها بر اساس چاپ عکسی وستر گارد از روی متن موجود در *K<sub>۲</sub>* بوده است. يك ترجمه آلمانی دیگر از بندهش، با يك نسخه چاپ سنگی متن پهلوی، و يك نسخه با حروف فارسی و يك مجموعه لغت به وسیله بوستی (*Justy*) در ۱۸۶۸ انتشار یافت و به انضمام متن *K<sub>۲</sub>* مترجم توانست نسخه های دیگر را بررسی کند که از *MH* ناشی شده و طی سالها در لندن و آکسفورد بوده است.

از مسدتهای پیش معلوم شده بود که متن بندهش هندی نواقص بسیاری داشته، ولی فقط در حدود بیست سال پیش بود که موبد تهمورث دینشاجی انکلساریا (*Mōbad Tehmuras Dinshawji Anklesaria*) از يك موبد ایرانی، مجموعه ای به دست آورد که شامل نسخه ای از بندهش کاملتر بوده و پارسیهای ایرانی از آن آگاهی داشتند و پس از آن يك نسخه از نیرنگستان به دست آورد (— پاراگراف ۲۰). این نسخه را آندرتاس (*Andreas*) در ۱۸۷۵ دید. و تهمورث در ۱۸۷۷ و ۱۸۷۸ اطلاعاتی همراه با خلاصه هایی درباره آن (جهت استفاده در ترجمه انگلیسی همراه با نامهای ارسالی نمود. وی همچنین برای دارمستتر (*Darmesteter*) نسخه ای در حدود ۱۸۸۸ فراهم آورد. در ۱۸۸۰ تهمورث نسخه دیگری از يك بندهش ایرانی در یزد به دست آورد و در همان سال مشاهده شد که دو برگ اول ناقص *K<sub>۳</sub>* که آن را در ۱۸۴۳ وستر گارد از ایران آورد، شامل باقیمانده آخرین فصل بندهش ایرانی بود، بایک پایان نوشت که در ۱۵۸۷ نوشته شده است. این بخش پهلوی در چاپ نسخه عکسی آندرتاس از روی مینوی خود پهلوی از همان متن، صفحات ۷۷-۷۹، انتشار یافت (— پاراگراف ۵۵) برگ اول و آخر بندهش

در نسخه اول تهمورث گم شده، و جای آن را نسخه‌های بعدی از دست‌نوشته دوم گرفته است، به انضمام پایان نوشت که در آن گفته شده است که دست‌نوشتهٔ اصل (که آن را به آسانی می‌توان G نامید) توسط گوید شاه رستم (*Gōpatshah Rustakhm*) نوشته شده که بین سالهای ۱۵۳۱ و ۱۵۵۴ در ایران می‌زیسته است. این نکته از چهار پایان‌نوشت تاریخدان دیگر برمی‌آید. دست‌نوشتهٔ دوم کامل است، و از پایان نوشت آن چنین استنباط می‌کنیم که در سال ۱۶۲۶ توسط فریدون مردشپان (*Frēun Mard shapān*) نوشته شده و آن را براحتی می‌توان نسخه F نامید. در این دو دست‌نوشته با دو مرجع مستقل متن کامل ایرانی بندهش در قرن شانزدهم مواجه می‌شویم، غیر از نخستین شانزده خط فصل اول و پنج خط از آخر از آخرین فصل، و در مورد آخر، مرجع دومی در جزء باقیماندهٔ متن در K<sub>۴۴</sub> وجود دارد.

يك مقایسهٔ دقیق بندهش هندی با این متن ایرانی نشان می‌دهد که سیزده هزار کلمه موجود در K<sub>۴۰</sub> فقط يك سلسله اقتباساتی است از سی هزار کلمه‌ای که پیش از این در ایران موجود بوده و از طریق نسخه‌های G و F به دست ما رسیده است. غیر از پاراگراف‌های مفصلی که در K<sub>۴۰</sub> وجود ندارد، بسیاری از کلمات و عبارات نیز حذف شده‌اند؛ در صورتی که از طرف دیگر، چند کلمه و عبارت از این قبیل در K<sub>۴۰</sub> وجود دارد که از نسخه‌های G و F افتاده است، همچنین بعضی تغییرات فعلی وجود دارد. وجود این اختلافات جزئی دور از انتظار نیست، آنهم هنگامی که ملاحظه می‌کنیم که K<sub>۴۰</sub> دو قرن به نسخه اصلی، که از آن متن هندی اقتباس شده، نزدیکتر است تا نسخه‌های G و F. از لحاظ تاریخی، نکته‌ای دربارهٔ ارتباط میان بندهش هندی و ایرانی نمی‌دانیم، ولی می‌توانیم دربارهٔ این موضوع حدس معقولی بزنیم. می‌دانیم که مهربان، فرزند کیخسرو، نسخه‌ای از بندهش هندی نوشت، که از آن يك برگ در K<sub>۴۰</sub> باقی مانده است (پاراگراف ۴۲)، همچنین می‌دانیم که وی عادت به استنساخ از روی دست‌نوشته‌هایی داشت که توسط عم بزرگش رستم، پسر مهربان نوشته شده بود، مانند K<sub>۱</sub>، K<sub>۵</sub>، AV و f. از ذیوان. این نسخه-پردازان از ایران به هندوستان مهاجرت کردند، ولی در زمانهای الف، و رستم AV و f از خود را در ۱۲۶۹ قبل از ترك ایران و *Visperad* K<sub>۴</sub> را در ۱۲۷۸ پس از ورود به هندوستان در آنکلسر نوشت. بنابراین می‌توانیم حدس بزنیم که رستم، پس از نوشتن يك نسخه در ایران برای بردن آن به هندوستان، نسخه‌های دیگری به همان قصد نوشته باشد، و این خود حاکی از ورود یادگار ذیوان و سایر اقتباس‌های بندهش به هندوستان است که بعدها توسط مهربان استنساخ گردید.

از آنجا که محتویات بندهش هندی از ترجمه‌هایی که ذکر کردیم، بخوبی معلوم می‌شود، کافی است که تنها جنبه کلی آن را ذکر کنیم و فقط به شرح اطلاعات اضافی که از متن ایرانی به دست می‌آید بپردازیم. شاید محتویات اثر مزبور مانند نسخهٔ هندی در آغاز با این عنوان شروع می‌شده است: «*Zand-ākāsih*» یا دانش سنت. این عنوان در ابتدا دربارهٔ آفرینش نخستین توسط اهورامزدا و مخالفت اهریمن و سپس دربارهٔ چگونگی مخلوقات جهان است، از آفرینش تا پایان». این نکته در مورد سراسر اثر تا

شرح رستاخیز صدق می‌کند، ولی جزئیاتی اضافی درباره اصل و نسب و گاهشماری از منابع دیگر به آن ضمیمه شده است. مقدمه کوتاهی که در بندهش ایرانی وجود دارد (ترجمه شده در *SBE.V, PP, XXXIII, XXXIV*) با موافقت موبد بزرگی به نام سپنددات (*Spend-dat*) فرزند ماه‌ونداد (*Mah-Vindat*) نوشته شده که هنوز شناخته نشده است. ولی بعدها باید به این اثر افزوده شده باشد، و شاید همزمان با مراحل نهایی آخرین فصل (ایضاً *XL*) باشد، تا سال ۴۴۷ ایرانیان. اکنون سال ایرانی ۵۲۷ است که مطابق سال ۱۰۹۸ و ۱۱۷۸ میلادی است، زیرا عصر ایرانی ظاهراً مرگ یزدگرد بوده است. بقیه متن ایرانی ظاهراً همان گونه به وسیله گردآورنده‌ای به جای مانده است که شجره نسبه را به *zand-ākasih* افزوده و خود را *Dātakih - i Ashavahisti* «هدیه تولید عدالت کامل» می‌نامد. در همان حال نامهای بعضی از معاصران خود را که در قرن نهم زیسته‌اند (← *SBE.V, 147*) ذکر کرده است.

بندهش ایرانی را می‌توان به ۴۶ فصل تقسیم کرد که تطابق آنها با بندهش هندی و محتویات اضافی در اینجا یادداشت می‌شود:

۱- بندهش هندی *I*، درباره اهورامزدا، اهریمن و آفرینش است به اضافه آفرینش زمان و *Vāē* قبل از وهمن، و آفرینش چهارده موجود مقدس دیگر پس از امشاسپندان، و شش موجود جهانی در طی شش جشن فصلی مداوم (گاهنبارها)؛ با نامهای روزها و ماهها.

۲- بندهش هندی *II* تا وسط پاراگراف 8 (*1.9* و *Wgd.p.7*) درباره تشکیل اجرام آسمانی، با جزئیات اخترشناسی بیشتر.

۳- درباره قصد آفرینش موجودات برای نبرد کردن. چهار روز در همراه به نام آفریننده است؛ زمان و وای برای حمایت از آفریدگان؛ همان گونه که هفت امشاسپند وجود دارد، هفت آسمان و هفت آفرینش جهانی وجود دارد؛ امشاسپندان و همکارانش؛ پنج دوره روز؛ به باقی بندهش هندی *II* مطلب به پایان می‌رسد.

۴- بندهش هندی *III* درباره حمله «ویرانگر» به آفریدگان، با اضافات مختصر.

۵- بندهش هندی *IV* درباره گاوانر نخستین.

۶- چگونه دیوان بزرگ به صورت مینوی به مخالفت موجودات مینوی برخاستند، از طریق مقابله بدی با هر صفت نیک؛ از بخش آخر آن، بندهش هندی و *Wgd. (PP. 12, 13-17, 4) V1, 2* اقتباس شده بود. پس از جزئیات بیشتر مربوط به اجرام سماوی، باقی بندهش هندی *V* به دنبال می‌آید، با ستاره‌شناسی، نجوم و اندازه زمان.

۷- بندهش هندی *VI*، درباره نبرد نخستین که مینوی آسمان با مینوی بدداشت.

۸- بندهش هندی *VII*، نبرد دوم که آن را آب انجام داده است.

۹- بندهش هندی *VIII*، نبرد سوم که زمین انجام داد.

۱۰- بندهش هندی *IX*، چهارمین نبرد را که گیاهان انجام دادند.

۱۱- بندهش هندی *X*، پنجمین نبرد را گاوانر نخستین انجام داد.

۱۲- ششمین نبرد را کیومرث انجام داد.

- ۱۳- هفتمین نبرد را آتش انجام داد.  
 ۱۴- هشتمین نبرد را اختران انجام دادند.  
 ۱۵- نهمین نبرد را ایزدان مینوی انجام دادند.  
 ۱۶- دهمین نبرد را ستارگان نیامیزنده انجام دادند.  
 ۱۷- درباره شرح آن مخلوقات، آمدن مینوی بد بر زمین، ستارگان، گاونر نخستین

و کیومرث.

- ۱۸- بندهش هندی *XI*، درباره چگونگی زمینها.  
 ۱۹- بندهش هندی *XII*، درباره چگونگی کوهها.  
 ۲۰- بندهش هندی *XIII* درباره چگونگی دریاها.  
 ۲۱- بندهش هندی *XXI, XX*، درباره چگونگی رودها.  
 ۲۲- بندهش هندی *XXII*، درباره چگونگی دریاچهها.  
 ۲۳- بندهش هندی *XIV*، درباره چگونگی پنج نوع از جانوران، با جزئیات بیشتر در پایان.

۲۴- درباره چگونگی انسان به ۹ گونه، که کیومرث اول آنها است، و دهمین موجود عبارت از بوزینگان است؛ پس از مرگ کیومرث، بندهش هندی *XV* است، و ملاحظاتی درباره خرسها، بوزینگان و سایر جانوران، بیگانگان، سیاه پوستان و زنان می شود و به بندهش هندی *XXIII* پایان می یابد.

۲۵- بندهش هندی *XVI*، درباره چگونگی هر نوعی، با جزئیات اضافی، بیشتر درباره جانوران؛ پس از پاراگرافهای ۵۰۱، و درباره ماهیان در پایان.

۲۶- بندهش هندی، *XXVII*، درباره چگونگی گیاهان.

۲۷- بندهش هندی *XXIV*، درباره ردی مردان، جانوران، و هر چیزی.

۲۸- بندهش هندی، *XXVII*، درباره چگونگی آتش، و به بیانی درباره آتشیهای جهانی و آتشیهای بهرام، فرنبغ، گشنسب، برزین مهر، با بعضی آتشیهای طبیعی.

۲۹- درباره چگونگی خواب، که چون به صورت جوانی زیبا آفریده شده است، به صورت کابوسی در می آید به شکل اسب نرجوانی که به گونه ای مینوی مرد را از سرش تا زانوانش می آزاد.

۳۰- درباره چگونگی باد، ابر و باران، باد که از زمین به صورت جوانی زیبا به وجود می آید، به صورت تندبادی شبانه در می آید، ابر آب را که بیشتر به وسیله باد برمی انگیزد و آن را به صورت قطراتی فرو می ریزد. نبرد بیشتر با پوش، و نبرد اسپنجروش با آتش و ازشت. سنگ و ماهی و قورباغه با باران فرو می ریزد. و گردبادها.

۳۱- درباره چگونگی آفریدگان زیانکار که به وسیله مینوی خبیث تولید شده، مانند مار و کژدم و گربه و مورچه و مگس و زنبور و غیره.

۳۲- درباره چگونگی انواع گرگها، به تعداد سیزده، مانند گرگ سیاه، بیر، شیر، پلنگ گربه و بسیاری دیگر.

۳۳- درباره اشیا از هر نوع یعنی به چه علت آفریده شده اند، و ضدیتی که با آنها

شد. در دین گفته می شود که هوم سفید که آن را درخت گوکرن می نامند و غیره، (بر طبق بندهش هندی XIV, XVIII).

۳۴- بندهش هندی، XXVI, XXV، درباره سال دینی.

۳۵- درباره کارهای بزرگ ایزدان مینوی، همان گونه که به وسیله دارمستر در زنداوستایش ترجمه شده II, 305-322 با چند سطر افزون در پایان.

۳۶- درباره بدکاری اهریمن و دیوان، همان گونه که در SB. V, 105-114؛ ترجمه شده است (انکتیل ویوستی XXVIII و XXIX شامل بقایای بندهش هندی XXVIII است).

۳۷- درباره تن آدمی به سان نوعی جهان، و آن عبارت از مقایسه ای است مفصل ولی تخیلی میان تن آدمی با جهان محیط آن.

۳۸- بندهش هندی XXXIX (XXX آنکتیل ویوستی)، درباره سروری اقالیم جهان.

۳۹- درباره چینود پل و روان در گذشتگان؛ شرحی به دست داده شده درباره پل و سرنوشت ارواح نیکوکاران و بدکاران به هنگام عبور از آن پل.

۴۰- درباره شهرهای مشهور ایران، و جایگاههای کیانیان؛ اولی خلاصه ای است از Phlv. Vd. I و دومی شرحی است درباره جایگاههای جم، فریدون، کاووس، ضحاک، سیاوش، افراسیاب و دیگران.

۴۱- درباره مصائبی که دامنگیر کشور ایران در هر هزاره ای می شود؛ یک سوم آن به وسیله دارمستر در زنداوستایش به فرانسه ترجمه شده است، II, 398-402. دو سوم باقی در ذکر پادشاهی بهمن، همای، دارا، اسکندر، نود فرمانروای کوچک، اردشیر بابکان، شاپور دوم، پیروز، فرزندش خسرو، یزدگرد و غارتگران عرب است؛ همچنین آمدن سه نجاتگر برای برقراری مجدد دین.

۴۲- بندهش هندی، XXX (XXXI آنکتیل ویوستی)، درباره رستاخیز و تن پسین.

۴۳- بندهش هندی، XXXI (XXXII آنکتیل ویوستی)، درباره نژاد و فرزندان

کیانیان، با جزئیات بیشتر؛ ترجمه شده در SB. V, 139-140.

۴۴- بندهش هندی، XXXII (XXXIII آنکتیل ویوستی)، درباره دودمان پور-

وشپ.

۴۵- خانواده موبدان ترجمه شده در SB. V, 145-148.

۴۶- بندهش هندی XXXIII (XXXIV آنکتیل ویوستی) SB. V, 149-151.

درباره شمارش سالها به وسیله اعراب، با چند نکته اضافی.

از این مقایسه محتویات بندهش همان گونه که در ایران و هندوستان شناخته شده است آشکار می شود که فصلهای مربوط به رودخانهها، دریاچهها، بوزینه و خرس، سروری و گیاهان (بندهش هندی XX-XXIV و XXVII) در خلاصه هندی در K<sub>۲</sub> در جای درست قرار نگرفته است، از آشفتگی در ترتیب موضوعات، بر اثر جا به جا شدن فصلها، نکته مزبور تأیید می شود، ولی بر اثر سه خط موجود در فصل مربوط به رودخانهها تأیید می گردد که در K<sub>۲</sub> در جای درست خود آمده است. (wgd. P. 28 II. 1-4)، همچنین است بقیه فصل جا به جا شده (wgd. P. 49 II. 9-12). ترجمه رقیه بهزادی

\*) به علت کمبود جا منابع مقاله حذف شده است. چیستا.